

گزارش

چه کسی باید به داد ورزش برسد؟
وزیری که توقعات ورزشی‌ها را برآورده نکرد



تناقض‌هایی که این روزها پیرامون سرمربی تیم‌ملی فوتبال در گفته‌های مسؤولان وزارت ورزش و جوانان وجود دارد، نشان می‌دهد این وزارت‌خانه که باید آرام‌کننده فضای ورزش باشد، خود اوضاعی نارام و چند صدایی دارد! به گزارش مهر، وزیر ورزش در حالی در مراسم نشست با پیشکسوتان فوتبال به سرمربی تیم‌ملی ایران تاخت که تا پیش از این نماینده این وزارتخانه اعلام کرده بود مخالفان کی‌روش باید از فدراسیون فوتبال بروند.

■ **وزیر ضدفوتبال**

وزیر ورزش که معتقد است، ضدفوتبال نیست و ضدفساد است را عودت می‌کنیم به آنچه پس از ورود ایشان به ساختمان ستول با تصمیم‌های ایشان بر فوتبال رخ نموده است.

از بلاکلیفی و جنگ‌های فرسایشی و روانی وزارت با فدراسیون و تیم‌ملی فوتبال ایران بگیرید تا برسید به استقلال و پرسپولیس؛ این مردم که در اوج مظلومیت طی طریق می‌کنند، با دهائی نیمه‌باز و چشم‌هایی حیرت‌زده وزیر را رصد می‌کنند. آنچه در جلسه وزیر که به پارکشی برابر فدراسیون و شخص تشخیص کی‌روش می‌مانست، گفته شد، ادبیات و مقاصدی داشت بی‌تأثیر، عجیب و غیرقابل وصف که گویش آن را از هر کسی می‌توان انتظار داشت جز مقام رئیس وزارت ورزش و جوانان که دلخو و از دور سرمربی تیم‌ملی را نشانه رفته است.

■ **تناقض در حرف و عمل**

این همه در حالی است که پیش از این ده‌ها بار وزارت ورزش به اشکال مختلف اعلام کرده بود مخالف حضور کی‌روش در تیم‌ملی فوتبال ایران نیست و عجباً که با وجود چونان بی‌بایه‌های تومار ماندی، امروز کی‌روش را کار گر خطاب می‌کند.تناقض‌های رفتاری مقام اول وزارت و آن وزارت‌خانه عریض و طویل و بزرگ اما به آن حرف‌ها و این حرف‌ها محتومه نمی‌شود، بلکه به گفته‌های درون وزارت‌خانه هم باید اشاره داشت آنجا که حسنی‌خوا «مانی‌نده وزیر آن وزارت‌خانه در تولید تفاهتمند می‌دهد تمدید قرارداد کی‌روش» چند روز قبل اعلام کرد «هر کس با کی‌روش مخالف است از فدراسیون فوتبال کنار برود» و لایذ خود محمود گوردزی باید یکی از همان‌ها باشد و از تصمیم‌های فدراسیون فوتبال دوری کند.

■ **بلاکلیفی تیم‌ملی ایران**

سریگیجه فوتبال درحالی‌به اوج خود رسیده که خردادمه مسابقات انتخابی جام‌جهانی شروع خواهد شد و سرمربی تیم‌ملی ایران باید چون عقابی تیزبین لیگ را ببیند و کشورهای رقیب را آنالیز کند اما چه آنالیزی مهم‌تر از حرف‌های وزیر ورزش که آن وزارت‌خانه اطلاعیه می‌دهد مخالف کی‌روش نیست و امروز نماینده‌اش در فدراسیون فوتبال حامی کی‌روش می‌شود و فردا رئیسش حملات کلامی سنگینی را به‌صورت کی‌روش پرتاب می‌کند.

■ **هرج و مرج خودخواسته و توقع از وزیر**
از وزیر توقع آن می‌رود درک درستی از صنعت فوتبال داشته باشد و این کلونی عظیم را این همه با ورزش‌های دیگر قیاس نکند و تصمیم‌گیری در این رابطه را به واحد تخصصی خودش ارجاع دهد و فدراسیون فوتبال را به‌عنوان ارگانی تخصصی و خودمختار بشناسد و به آن شخصیت و هویت بدهد نه اینکه هر روز مخل آشپس و آرامش فوتبال در همه سطوح شود.از وزیر ورزش و جوانان این توقع می‌رود کارهای حقوقی و کلان مدیریتی را درست جلو ببرد تا مجبور به ارائه اعانه به فوتبالی ثروتمند نباشد که این وظیفه را هر روز به یاد فوتبال‌باورد و هر روز پولی را که نداده به رخ فدراسیون بکشد و بابت این بدهی، بدهکارش را ملزم به اجرای دستورات خویش کند.

■ **احترام به خواسته مردم**

از وزیر ورزش توقع می‌رود این همه به‌خاطر بودجه تیم‌ملی ایران، استقلال و پرسپولیس را با مخاطب‌های میلیونی به چالش نکشد، از فدراسیونی که توانسته به جام‌جهانی برسد و نمایشی درخور داشته باشد و برای تیم‌ملی ایران مربی قهرمان جهان و رئال مادرید را آورده است، حمایت کند و باور کند که نامیده با سیاست انقباضی تنها یاور خرج نکردن را اجرا کند، بلکه با سیاست انبساط‌شور و هیجان و چرخش مالی را به فوتبال ایران هدیه کند و خواسته ۸۲ درصد مردم را به اجرا درآورد نه خواسته و تفکرات شخص گوردزی را.

حضور یک مربی در یک تیم چه این تیم بزرگ باشد و چه کوچک می‌تواند تأثیر زیادی داشته‌باشد.بازیکن در رقم خوردن یک‌نتیجه تأثیر زیادی دارد‌اما اینگونه نیست که همواره بازیکنان بزرگ نتایج یک دیدار را رقم بزنند و در این حالت‌است که مربی تأثیر زیادی دارد و می‌تواند توانایی خود را ثابت کند. تیمی مانند اتلتیکومادرید را در نظر بگیرد.این تیم اسپانیایی فصل قبل توانست عملکرد درخشانی از خود نشان دهد. وقتی از شانس‌های قهرمانی در رقابت‌های لیگادر فصل قبل سخن به میان می‌آمد هیچ‌کس از اتلتیکومادرید سخن به میان نمی‌آورد اما این تیم توانست در نهایت گوی سبقت را از تیم‌های بزرگی چون بارسلونا و رئال‌مادرید بریابد و جام قهرمانی را بالای سر برد.مهم‌تر از این اتلتیکومادرید توانست از بین این همه تیم بزرگ به فینال لیگ قهرمانان اروپا راه

یابد و اگر در دیدار پایانی بندشانس نبود، می‌توانست شگفتی بزرگی را رقم زند و جام قهرمانی را نیز بالای سر ببرد. اتلتیکومادرید فصل قبل نتایج درخشانی به دست آورد چرا که مربی خوب و پاداششی داشت و توانست به خوبی انگیزه و روحیه جنگندگی و پیروزی را به این تیم تزریق کند. بنابراین یک مربی اساس موفقیت یک تیم است و طبیعی است که به هنگام ناکامی همه از مقصر جلوه دادن او سخن به میان آورند. این فصل تیم‌هایی هستند که نتایج خوبی به دست نیاورده‌اند و همین باعث شد تا از اخراج مربیان این تیم‌ها سخن به میان آید یا به اصطلاح گفته شود آنها روی لبه پرتگاه هستند. در این گزارش می‌خواهیم درباره مربیانی سخن به میان آوریم که به احتمال زیاد در پایان فصل جایگاه خود را از دست خواهند داد و باید به دنبال مربیگری در تیم دیگری باشند؛ نخست از مانوئل پیگرنی، سرمربی شیلیایی منچسترسیتی سخن به میان می‌آوریم:

■ **زمان رفتن مهندس از سیتی**

تا چند سال پیش بزرگ‌ترین آرزوی هواداران منچسترسیتی قهرمانی در رقابت‌های لیگ برتر انگلیس بود. آنها آنقدر قهرمانی منچستریونایتد را دیده بودند که دیگر احساس حقارت می‌کردند تا اینکه یک مالک متمول اماراتی به نام شیخ منصور بن زاید توانست آنها را نجات دهد و با بازیکنان بزرگی که جذب کرد به قدرت نخست فوتبال جزیره تبدیل شدند. منچسترسیتی با روبرتو منچینی قهرمانی در لیگ برتر انگلیس را به دست آورد اما الان نوبت زیاده‌خواهی سران باشگاه رسیده بود چرا که آنها انتظار درخشش در لیگ قهرمانان اروپا را از تیم خود

گمانه‌زنی درباره آینده مبهم ۵ مربی بزرگ جهان

چمدانت را ببند و برو!



داشتند. منچینی نتوانست در این زمینه کمکی به فیروزه‌ی‌پوشان کند و همین باعث شد تا این شیخ اماراتی او را از کار برکنار کند و مانوئل پیگرنی را به‌عنوان جانشین منچینی ایتالیایی معرفی کند. پیگرنی با مالاگا در لیگ قهرمانان اروپا عملکرد خوبی داشته بود. این مربی با تجربه که سابقه هدایت رئال مادرید را هم داشت در نخستین فصل حضور خود در سیتی توانست این تیم را قهرمان رقابت‌های لیگ جزیره کند اما باز منچسترسیتی در لیگ قهرمانان نتوانست بدرخشد با این حال به پیگرنی یک سال دیگر فرصت داده شد اما منچسترسیتی در فصل جاری نه‌تنها در رقابت‌های لیگ برتر انگلیس بلکه در لیگ قهرمانان اروپا نیز عملکرد ضعیفی از خود نشان داد. پایان فصل بدون کسب جام به معنای اخراج پیگرنی است. هر چند پیگرنی توجیه‌های زیادی می‌آورد اما اخراج او تا حدود زیادی نهایی شده است و از بورگن کلوب به‌عنوان جانشین او سخن به میان می‌آید.

■ **کارلتو در مادرید می‌ماند؟**

شاید اخراج کارلو آنچلوتی کمی سختگیرانه باشد اما برای سران رئال‌مادرید پایان دادن فصل بدون جام ناکامی بزرگ به شمار می‌آید. رئال‌مادرید هر چند فصل قبل با هدایت کارلو آنچلوتی توانست قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را به دست آورد اما این تیم در فصل جاری نوسان زیادی داشته است. این تیم در رقابت‌های لیگ‌چند هفته‌ای است که صدرنشینی را به بارسلونا داده است و این احتمال وجود دارد که نتواند جام قهرمانی را بالای سر ببرد. شاگردان آنچلوتی در جام حذفی هم رقابت را به اتلتیکومادرید واگذار کردند و دست آنها از جام قهرمانی کوتاه ماند. رئال‌مادرید در

ورزشتی

وجود دارد که در پایان فصل جاری آرسن ونگر نیز از آرسنال اخراج شود.

■ **اینزاکی در میلان و افتضاحاتش**

ذلیل‌تر از میلان تیمی وجود ندارد. روسوئری بدترین دوران تاریخ خود را پشت‌سر می‌گذارد اما مشکل این باشگاه ایتالیایی مربی نیست بلکه سیاست اشتباه سران این باشگاه است با این حال تغییر مربی می‌تواند تا حدودی آشوب هواداران را فرو بکاهد و طبیعی است که سران میلان هم سراغ این گزینه بروند. میلان در فصل جاری با هدایت فیلیپو اینزاکی نتایج بسیار بدی به دست آورده و این مربی جوان نشان داده که میلان تیم بزرگی برایش است و او نمی‌تواند این تیم را نجات دهد. از ایتالیا خبر می‌رسد که سران باشگاه میلان می‌خواهند این باشگاه را به یک میلیاردی اندونزیایی بفروشند. میلان اگر فروخته شود تغییر و تحول زیادی در آن به وجود خواهد آمد و بسیاری طبیعی است که اینزاکی هم از هدایت این تیم اخراج شود البته حتی اگر میلان فروخته نشود باز احتمال دیدار رفت بازی بسیار خوبی را به نمایش گذاشتند و توانستند برابر حریف سرشناس و نام‌آشنای خود با نتیجه ۲ بر یک به پیروزی برسند تا انگیزه زیادی برای صعود به فینال داشته باشند. آنچلوتی هر چند مربی بزرگی است اما اگر رئال‌مادرید در پایان فصل بدون جام بماند احتمال اخراج او زیاد است.

■ **ونگر تا کی در آرسنال طاقت می‌آورد؟**

کسی که بازی‌های آرسنال را در فصل جاری دنبال کرده باشد بی می‌برد که دیگر صبر هواداران این تیم تمام شده است و دیگر نمی‌توانند دور ماندن تیم محبوب خود از کسب جام را تحمل کنند. آرسن ونگر الان باسابقه‌ترین مربی لیگ برتر انگلیس به شمار می‌آید و نزدیک به ۲ دهه است که در آرسنال مربیگری می‌کند اما طبیعی است که او نیز خطر اخراج را احساس کند. آرسنال بیش از یک دهه است که نتوانسته قهرمانی در لیگ برتر انگلیس را تجربه کند. این تیم در فصل جاری نیز شروع بسیار بدی در لیگ جزیره داشت و همین باعث شد هواداران این تیم بیش از همیشه به ونگر معترض شوند و خواستار اخراج او باشند. هر چند آرسنال در نیم‌فصل دوم نتوانسته عملکرد بسیار خوبی داشته باشد اما هواداران این تیم جام می‌خواهند و بازی خوب بدون کسب جام در پایان فصل هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد. جام حذفی تنها جامی است که آرسنال می‌تواند در آن جام به دست آورد. آرسن ونگر مربی بزرگی است، او فدای سیاست اقتصادی سران این باشگاه لندنی شده و این احتمال

کیوسک	سان شمارا خفه می‌کنند	موندودپورتیوو تشویق	توتو بارسا منتظر باش	کوربره احترام بگذار

قطار رقابت‌های لیگ برتر درحالی‌به هفته یکی مانده به آخر خود رسیده که احتمال دارد تا حدی وضعیت تیم‌های سقوط‌کننده، مدعی قهرمانی و کسب سهمیه آسیایی در آن روشن شود. هفته بیست‌ونهم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران با برگزاری ۸ دیدار هم‌زمان امروز برگزار می‌شود.

■ **استقلال – تراکتورسازی**

حساس‌ترین دیدار هفته بیست‌ونهم را تیم‌های استقلال و تراکتورسازی برگزار می‌کنند. مصاف این دو تیم همیشه جذاب و پر برخورد بوده است. تراکتوری‌ها که رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا را فدای رقابت‌های لیگ برتر کرده‌اند باید در این دیدار پیروز شوند تا در کورس قهرمانی با سپاهان و نفت تهران باقی بمانند و از آن سو استقلال‌ی‌ها هم برای حفظ شانس کسب سهمیه آسیایی‌شان باید هر ۳ امتیاز بازی را به حساب خود واریز کنند. به این ترتیب می‌توان انتظار یک بازی هجومی از هر دو تیم و البته پراز حاشیه را در این دیدار داشت. این روزها در تیریز فشار زیادی روی تراکتورسازی وجود دارد و اگر آنها نتوانند برابر استقلال پیروز شوند، احتمالاً آنقدر وارد حاشیه می‌شوند که بازی آخرشان در لیگ برتر هم تحت تأثیر همان بازی قرار می‌گیرد و از آن

طرف استقلالی‌ها هم نمی‌خواهند داری پایتخت برایشان جنبه یک بازی تشریفاتی را داشته‌باشد. از نکاتی که می‌تواند این دیدار را حساسیت بیشتری ببخشد، اهمیت بازی برای شخص امیر قلعه‌نویی است. وی در تراکتور مدتی سرمربی بود اما بعد از خروجش از این تیم مدت‌ها با مسؤولان این تیم درگیری رسانه‌ای داشت. این دیدار همچنین به نوعی تقابل تیموریان با استقلال است. هافبک میانی تیم ملی که سال‌ها در استقلال توپ زده در حالی در تراکتورسازی توپ می‌زند که جدایی‌اش از استقلال با حواشی زیادی روبه‌رو بود و بسیاری اعتقاد دارند یکی از دلایل جدایی او از استقلال اختلافش با شخص قلعه‌نویی بوده و اخیراً هم وی با اعلام اینکه به سمت قلعه‌نویی نمی‌رود، بر این گمان حکم تأییدی زده است.

■ **گسترش فولاد – پرسپولیس**

شاگردان فراز کمالوند درحالی باید از پرسپولیس پذیرایی کنند که شاگردان برانکو نگرانی‌ای بابت سقوط به دسته پایین‌تر ندارند

نگاهی به بازی‌های هفته ۲۹ لیگ برتر
تکلیف مشخص می‌شود؟

ولی با توجه به موفقیت‌شان در لیگ قهرمانان آسیا به لحاظ روحی از شرایط خیلی خوبی برخوردارند و همین مساله امتیاز گرفتن از آنها را سخت می‌کند. گسترش فولاد که خطر سقوط به دسته پایین‌تر را احساس می‌کند باید از این دیدار امتیاز بگیرد اما به نظر می‌رسد کار شاگردان کمالوند در این دیدار سخت باشد هر چند آنها می‌توانند امیدوار باشند پرسپولیس‌ها به دلیل رقابت آسیایی‌شان تا حدی خسته باشند و نتوانند بازی همیشگی‌شان را ارائه دهند. از سوی دیگر این دیدار شاید به نوعی تمرین داری برای پرسپولیس‌ی‌ها باشد و برانکو به این دیدار به‌عنوان دیداری جهت آماده‌سازی تیمش برای پایان لیگ نگاه می‌کند.

■ **نفت تهران – صبای قم**

نفت تهران به عنوان یکی از مدعیان اصلی قهرمانی در لیگ برتر به دنبال پیروزی برابر صبای قم بی‌انگیزه است. آنها با وجود شکست برابر العین فولاد خوزستان – پدیده مشهد..... ساعت ۱۸

یادداشت

واقعاً فوتبال ایران رو به مرگ است؟!

ایلیا ایزدی: فوتبال ایران مانند بیماری است که با یک عمل جراحی ساده درمان می‌شود اما تیم پزشکی در حاشیه آن ایستاده و از مرگ سخن می‌گوید؛ چه کسانی این روزها برای حرف‌های ضدفوتبالی هورا می‌کشند؟ از عمر فوتبال ایران بیش از ۸۰ سال می‌گذرد. در این مدت روزگار تلخ و شیرینی بر این رشته محبوب در ایران گذشته و خانواده بزرگ فوتبال اتفاقات خوب و بد زیادی را به چشم دیده‌اند. امروز، فوتبال در ایران پرطرفدارترین رشته ورزشی و طبعاً پرهزینه‌ترین رشته است و همین ۲ نکته باعث شده آماج حملات کلامی متعددی قرار بگیرد. حدود ۱۴ سال پیش بحث حرفه‌ای نبودن فوتبال در ایران مطرح شد و پس از چندین ماه کش و قوس، سرانجام لیگ برتر فوتبال با سر و شکل کنونی‌اش پیدا شد.فوتبال حرفه‌ای همان‌طور که از نمایش پیداست به پول و مدیریت حرفه‌ای نیاز داشت. پول به قدر کفایت در جیب دولت وجود داشت و تیم‌های دولتی – بخوانید همه تیم‌ها– با خیال راحت هر چه می‌خواستند از آن پول برمی‌داشتند اما مدیریت، حکایت دیگری داشت. هر چه فوتبال ایران به‌اصطلاح حرفه‌ای تر یا به عبارت درست‌تر، پرپول تر می‌شد، مدیریت‌ها بیشتر نقصان می‌یافت. کار به جایی رسید که تیم‌های مطرح پایتخت هم در یک سال چندین مدیر عوض کردند و تقریباً هیچ تیمی در لیگ برتر مطمئن نبود که کادر مدیریتی و فنی‌اش تا پایان فصل روی صندلی‌اش باقی می‌ماند یا خیر. ضعف مدیریت در فوتبال ایران که بخشی به دلیل حضور غیرورزشی‌ها بر سر کار و بخش دیگر به دلیل متخصص نبودن ورزشی‌ها بود، باعث شد رفته‌رفته فرهنگ اخلاق مدار و روحیه جوانمردی جای خود را به پول‌پرستی و نتیجه‌گرایی بدهد البته در چنین فضایی باز هم بسیاری از تیم‌ها و افراد هستند که همچنان به اخلاقی پایبندند. وجود برخی مشکلات و فسادها در بدنه فوتبال، آن دلالیسم و واسطه‌گری گرفته تا پول‌های کثیف و کارت‌به‌کارت‌ها، به تدریج این شائبه را ایجاد کرد که کل فضای فوتبال فاسد است و هوایش برای تنفس مسوموم! این باور در برخی رسانه‌ی رسوخ کرده که دیگر نمی‌شود به راحتی آن را از ذهن و قلب‌شان پاک کرد. نکته تامل‌برانگیز این ماجرا آنجاست که برخی از این افراد گز باور، خود صاحب بست و مقام در ده‌های مختلف ورزش هستند. به نظر می‌رسد سوالی که این افراد باید از خود بپرسند این است که اگر فضای فوتبال، آن‌طور که آنها مدعی هستند، این قدر ناپاک و فاسد است، چرا تیمی مانند نفت تهران که نه بودجه میلیاردی دارد و نه لشکری از دلال‌ها و رمال‌ها به دنبالش هستند، توانسته در ۳ جام موفق باشد؟اگر فوتبال ایران پر از کثیفی و لمنیمس است، چطور می‌شود یک مربی جوان مانند یحیی گل محمدی که نه رانت و آنچنانی دارد و نه کسی به‌اصطلاح «هوایش را دارد» ذوب‌آهن را با دست تقریباً خالی از بازیکن و بودجه تا مرز کسب سهمیه لیگ قهرمانان آسیا پیش آورده است؟ فولاد شاید تنها باشگاه ایران به معنای واقعی کلمه باشد. در این باشگاه اخلاق سرلوحه کار است و مدیرانش فقط به کار درست فکر می‌کنند. بازیکنان جوان این باشگاه اول اخلاق را می‌آموزند و سپس فوتبالیست می‌شوند. تراکتورسازی تریز همیشه تلاش کرده تیمی مدعی باشد اما هرگز را اخلاق عدول نکرده است، حتی به دلیل همین مساله چندین بار در ادوار مختلف با مشکل روبه‌رو شد اما از اعتقاداتش پا پس نکشید. سپاهان یک باشگاه به تمام معناست و کارهایش براساس اصول مشخصی اداره می‌شود. حسین فرکی که هدایت این تیم را عهده‌دار است جزو افرادی است که به اخلاق و جوانمردی شهره است. نفت تهران هم وضعیت روشنی دارد؛ پرچمدار شفاف‌سازی مالی بین باشگاه‌های لیگ برتری سال‌هاست که بدون حاشیه کار می‌کند و امسال دوران طلایی خود را سپری می‌کند. ذوب‌آهن هم با هدایت گل‌محمدی جوان و مدیریت کلان سعدهمندی – که در مس کرمان بیشتر شناخته شد– راه و رسم صحیح کار کردن را نشان داده‌اند. اگر تمام نتایج در فوتبال ایران از راه غیرشروعی و غیرعرفی مشخص می‌شود، چرا تراکتورسازی و نفت و سپاهان صدرنشینان جدول هستند و چرا فولاد و ذوب‌آهن برای سهمیه می‌جنگند؟ آیا این ۵ تیم هم در فساد غوطه‌ور هستند و جادو می‌کنند؟ «لمینیمس»، «میلاردی‌ها»، «بی‌اخلاق‌ها» و... وازه‌هایی هستند که مخالفان فوتبال زیاد از آنها استفاده می‌کنند. به کار بردن این عبارات درباره فوتبال در جامعه جونسگنی علیه فوتبال به راه انداخته و کاری کرده که بسیاری از مردم فوتبالیست‌ها را به چشم کسانی که حق‌شان را خورده‌اند، نگاه کنند. برای ریشه‌یابی این سخنرانی‌ها و حرف‌ها باید نگاه کنیم به اینکه چه کسانی از شنیدن آنها ذوق می‌کنند و هورا می‌کشند و کف می‌زنند.

بخش عمده‌ای از منتقدان فوتبال ایران، کسانی هستند که دوران‌شان گذشته و افکار قدیمی‌شان دیگر خردبار ندارد، کسی به آنها هدایت تیمی را نمی‌سپارد و به دانش فنی‌شان امید نمی‌بندد.